

بررسی یک زبان رمزی: قوش دیلی یا آه‌پری دیل در طایفه سارویی از ایل قشقایی

راضیه امیری^{۱*}، محمدهادی فلاحی^۲

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. استادیار زبان‌شناسی رایانه‌ای، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری، شیراز، ایران

دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱

The Investigation of a Coded Language: Ghosh Dili or Ayereh Dil in the Sarui Clan of the Qashqai Tribe

Razieh Amiri^{*1}, Mohammadhadi Fallahi²

1. M.A. in Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor of Computational Linguistics, Regional Information Center for Science and Technology, Shiraz, Iran

Received: 2020/08/05 Accepted: 2022/02/10

10.30473/il.2023.54481.1392

Abstract

In some tribes of Qashqai, apart from the Turkish language, there is also a conventional language. Qashqais call this language "Qoush Dili" (the language of birds) or "Ayiri Dil" (a language that others cannot understand). In this research, while introducing the coded language of Sarui clan of Qashqai, we investigate the word-making processes and some social and practical features of this language. The data were collected through field method, interview, and a questionnaire. The questionnaire was adopted from National Language Atlas Plan of Iran Permon (2006). Then, the data were analyzed according to the processes of word formation and the characteristics of Calvet's (2009) secret language. The results were largely consistent with the proposed features of Calvet. The distinguishing feature of Ayiri Dil from Qashqai Turkish is its words. Vocabulary processes in this language include invention, borrowing, and synthesis. The results of the analysis largely agree with the characteristics proposed by Kalveh (2008). The distinguishing feature of Ayerri Dale from Qashqai Turkish is its words. Word formation processes in this language include invention, borrowing and combination. The arrangement of sentence elements as well as verbs, prepositions, and numbers is in accordance with Qashqai Turkish. The verbs in this language are made of a combination of conventional words and auxiliary verbs.

Keywords: Dialectology, Coded Language, Qoush Dili, Ayiri Dil, Sarui Clan, Qashqai Turkish, Dialect, Sociolinguistics.

چکیده

در برخی از طوایف ایل قشقایی، به‌جز زبان ترکی، زبانی منحصر به طایفه نیز به صورت قراردادی وجود دارد. این زبان را قشقایی‌ها «قوش دیلی» - زبان پرندگان- یا «آه‌پری دیل» - زبانی که دیگران قادر به فهم آن نباشند- می‌نامند. نوشتار حاضر، ضمن معرفی زبان رمزی طایفه سارویی از ایل قشقایی، به فرایندهای واژه‌سازی و برخی ویژگی‌های اجتماعی و کاربردی این زبان می‌پردازد. جمع‌آوری مواد زبانی به روش میدانی و با مصاحبه بر اساس پرسش‌نامه طرح ملی اطلس زبانی ایران پرمون (۱۳۸۵) صورت گرفت. برخی از واژه‌ها نیز در روند انجام مصاحبه افزوده شدند. سپس، داده‌ها با توجه به فرایندهای واژه‌سازی و ویژگی‌های زبان مخفی کالوه (۱۳۸۸)، تحلیل شد. نتایج تحلیل تا حدود زیادی با ویژگی‌های مطرح‌شده توسط کالوه (۱۳۸۸) تطابق دارد. وجه تمایز آه‌پری دیل از ترکی قشقایی واژه‌های آن است. فرایندهای واژه‌سازی در این زبان شامل ابداع، قرض‌گیری و ترکیب است. نحوه قرارگیری عناصر جمله و همچنین وندها، حروف اضافه و اعداد مطابق با ترکی قشقایی است، اما افعال در این زبان از ترکیبی از واژه‌های قراردادی و فعل همکرد یا معین ساخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: گویش‌شناسی؛ زبان رمزی؛ قوش دیلی؛ آه‌پری دیل؛ طایفه سارویی؛ ایل قشقایی، زبان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

زبان‌ها و گویش‌ها آینه تمام‌نمای اندیشه و فرهنگ سخنوران زبان‌ها به شمار می‌روند؛ چنان‌که هومبولت^۱ (به نقل از روبینز^۲، ۱۳۷۰: ۳۷۳) گفتار و سخن هر ملت را روح آن ملت، و روح آن ملت را گفتار و سخن آن معرفی می‌کند. به بیان دیگر، هر زبانی در بردارنده گنجینه‌ای از تمدن و خرد است و جلوه‌هایی از حیات را در طبقات اجتماعی گوناگون به نمایش می‌گذارد. در کشور ایران نیز گوناگونی‌های زبانی و گویشی فراوانی به چشم می‌خورد. برخی از این زبان‌ها را اصناف و گروه‌های اجتماعی مختلف با اهدافی همچون حفظ اسرار خانوادگی و شغلی در برابر بیگانگان می‌سازند. این‌گونه زبان‌ها که در زمره زبان‌های مخفی به شمار می‌روند، گاه لوتر یا لوترا^۳، و گاهی آرگو^۴ نامیده می‌شوند. به عقیده بلوک‌باشی (۱۳۸۰) لوتراگویان زبان رمزی را از سویی برای تحکیم و تقویت همبستگی و ارتباط گروهی، طبقاتی و صنفی خود در میان اعضای قوم و طایفه‌شان به کار می‌گیرند؛ و از سوی دیگر، حریم زندگی فردی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را در برابر بیگانگان محفوظ نگه می‌دارند، و مانع آشکار شدن رموز شخصی و جمعی‌شان در فضای کار یا محیط اجتماعی می‌شوند.

در جستار پیش‌رو، یک زبان رمزی موسوم به آه‌پیری دیل^۵ -یا قوش دیلی^۶- رایج در میان طایفه سارویی از ایل قشقایی بررسی می‌شود. تاکنون پژوهشی در مورد این زبان رمزی صورت نگرفته است. هدف از انجام این پژوهش، علاوه بر معرفی و توصیف برخی از فرایندهای واژه‌سازی و ساخت فعل، برشمردن پاره‌ای از ویژگی‌های زبان‌شناختی مختص به این زبان است. این زبان امروز در میان تعدادی اندکی از افراد سالخورده این طایفه رواج دارد و به دلیل ماهیت سری و اجتناب از آموزش آن و همچنین عدم تمایل نسل جوان به استفاده از آن هم‌اکنون رو به خاموشی است. با توجه به اینکه خاموشی هر زبانی نابودی میراث فکری و فرهنگی آن قوم و گروه را در پی دارد، بررسی زبان‌های رو به خاموشی اهمیتی بسزا دارد. از سوی دیگر مطالعاتی از این

دست، ضمن ثبت ابعاد گوناگون زبان مورد بررسی، زمینه‌ساز پژوهش‌های دیگر در این باب است، و راهگشای مطالعات گوناگون مردم‌شناسی، تاریخ، فرهنگ‌نگاری، و زبان‌شناسی خواهد شد. بنابراین، ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی دوچندان است. در این مقاله، با بهره‌گیری از چارچوب مقاله‌های از پیش تدوین شده در زمینه زبان‌های رمزی چون مقاله سبزی‌علی‌پور و دلگرم (۱۳۹۵) و تفرجی یگانه و انصاری (۱۳۹۸)، نخست به معرفی این پدیده از دیدگاه زبان‌شناسی می‌پردازیم؛ سپس به تبیین فرایندهای واژه‌سازی و همچنین توضیح ویژگی‌های اجتماعی و کاربردی زبان رمزی آه‌پیری دیل با توجه به ویژگی‌هایی که کالوه^۷ (۱۳۸۸) برای زبان مخفی ذکر کرده است، خواهیم پرداخت.

قوم ترک‌زبان قشقایی، طی دوره‌های مختلف، از حاشیه سرزمین‌های مختلف ایران بزرگ قدیم به فلات فعلی ایران آمده‌اند، ولی تاریخ دقیق آن مشخص نیست. مسلم است که ایل قشقایی با این تعداد جمعیت و طوایف گوناگون به یکباره به سرزمین فارس نیامده است بلکه به صورت گروه‌هایی کوچک و بزرگ از مکان‌های مختلف و در ادوار گوناگون به این خطه کوچیده‌اند یا کوچانده شده‌اند (کیانی، ۱۳۷۱: ۱۴۸). به گفته ابرلینگ^۸ (۱۳۸۳: ۱۵۳)، همانند دیگر اتحادهای ایلی ایران، ایل قشقایی نیز از طوایف، تیره‌ها و نژادهای مختلف از جمله کرد، ترک، لر و عرب تشکیل شده است اما اکثریت آنها ترک‌زبان هستند. این ایل از پنج طایفه بزرگ تشکیل شده است که شامل طایفه‌های عمله، شش بلوکی، دره‌شوری، کشکولی و فارسی‌مدان است. هر طایفه از ۸۰-۷۰ تیره تشکیل شده است. افراد ایل کوچ‌رو بوده، ییلاق و قشلاق آنها استان‌های فارس، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر و خوزستان است.

گویش ترکی قشقایی یکی از شاخه‌های گروه‌های زبانی ترکی است و از اعضای خانواده زبانی آلتایی و بخشی از خانواده زبانی اورآلتایی است. از دیدگاه هیئت (۱۳۸۰: ۲۲)، ترکی قشقایی از خانواده ترکی آذربایجانی است. طایفه سارویی یکی از طوایف ایل قشقایی است. به گفته گویشوران این طایفه محل سکونت آنها در منطقه چاه‌مارو در شهرستان خنج و همچنین شهرستان‌های فیروزآباد، قیروکارزین و شیراز است. افراد این طایفه در کنار گویش

1. Humboldt
2. Robinz
3. lutera
4. argot
5. /æjjeri di:l/
6. /qu:ʃ di:li/

واسطهٔ اعمال چند الگوی آوایی خاص بر واژگان فارسی ایجاد می‌شود، مانند واژهٔ انسان: شنسان آبلو.

همایونی (۱۳۵۲) در مطالعهٔ فرهنگ عامه در میان مردم فارس و به‌ویژه سروستان، علاوه بر زبان زرگری، به زبان‌های رمزی دیگری نظیر زبان‌های کشکی، مطربی، مرغی، میشی و سینی در سروستان اشاره می‌کند. آرانسکی^۲ (۱۳۷۵) در اثر خود با عنوان «اطلاعات تازه‌ای از زبان‌های رمزی (آرگو) در آسیای میانه، گروه قومی قوال در کولاب و آرگوی آن»، زبان گروهی کوچک در شهر کولاب واقع در تاجیکستان را معرفی نموده است. این قوم که در میان اهالی به قوال^۳ معروفند، بر اساس روایات، کولی‌هایی از افغانستان هستند که در زمان‌های گذشته به آن محل کوچ کرده، در آنجا سکنی گزیده‌اند.

سمایی (۱۳۸۲) فرهنگ لغات زبان مخفی را با گفت‌وگو با دانش‌آموزان پسر و دختر تهرانی تنظیم کرده است. نتیجهٔ پژوهش وی نشان داد که هریک از گروه‌ها برای مخفی نگه داشتن محتوای کلام خود از واژگان و اصطلاحات ساختگی استفاده می‌کنند. اعتضادی و علمدار (۱۳۸۷) به تحلیل جامعه‌شناختی زبان مخفی در میان دختران پرداخته‌اند. از دیدگاه آنها دختران با هدف پنهان نگه‌داشتن عقاید و افکار خود و به دلیل زشتی استفاده از برخی واژه‌ها در چارچوب آداب و رسوم و هنجارهای اجتماعی، به ابداع زبان مخفی دست می‌زنند. این گونهٔ زبانی در گروه‌های دوستانه، پیامک، وبلاگ و غیره رواج می‌یابد. به باور آنها (همان)، افزایش این گونه لغات، احتمال پیدایش بی‌نظمی زبانی^۴ را در پی خواهد داشت.

کالوه (۱۳۸۸) در کتاب «زبان مخفی چیست؟» به بررسی تاریخ زبان مخفی در فرانسه، فرآیند‌های معنایی و صوری واژه‌سازی زبان مخفی، ارتباط زبان مخفی با زبان رایج، و همچنین به ارتباط زبان مخفی و ادبیات پرداخته است. وی با معرفی برخی از فرآیندهای زبان مخفی چون استعاره، تلخیص، وند افزایی، واژگان زبانی با قاعده در پایان نتیجه می‌گیرد که در ورای زبان‌های مخفی و زبان‌های خاص همواره وضعیتی اجتماعی وجود دارد که گویای پیدایش آن زبان است؛ هرگونه تغییر در این وضعیت، به تغییر در صورت و نقش زبان مخفی منجر می‌گردد.

ترکی قشقایی، برای ایجاد ارتباط با افراد طایفه، به زبانی قراردادی و منحصر به خودشان نیز سخن می‌گویند. دلیل اصلی شکل‌گیری این زبان هنوز مشخص نیست و گویشوران آن را به صورت شفاهی از نسل‌های پیشین آموخته‌اند و امروزه دلایل اجتماعی مختلف، از جمله تمایل به استفاده از زبان معیار، سبب شده است افراد کمی به این زبان سخن بگویند.

گویشوران ترکی قشقایی به عنوان زبان غالب منطقه، به‌جز چند فعل مشترک و پاره‌ای از اعداد، مفهوم سخنان گویشوران این طایفه را نمی‌توانند درک کنند. بنابراین، با توجه به دلایل ذکر شده و همچنین با استناد به تعریف مدرسی (۱۳۸۷) در باب تفاوت زبان، لهجه و گویش، زبان طایفهٔ سارویی را زبانی مستقل می‌توان به شمار آورد. از دیدگاه مدرسی (۱۳۸۷:۱۶۹): «اگر گویندگان دو گونهٔ زبانی بدون هیچ‌گونه آموزشی آگاهانه بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، می‌توان آن دوگونه را لهجه‌ها یا گویش‌های یک زبان واحد دانست؛ اما هرگاه تفهیم و تفاهم میان گویندگان آنها امکان‌پذیر نباشد، باید آنها را دو زبان جداگانه محسوب کرد.» به عقیدهٔ وی، اصطلاح گویش در مورد تفاوت‌های تلفظی، واژگانی و دستوری مورد استفاده قرار می‌گیرد (همان‌جا).

پیشینه پژوهش

در بارهٔ زبان‌های مخفی تاکنون پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود. دبورا تانن^۱ (۱۳۷۶) جامعه‌شناس زبان، کاربرد زبان مخفی از سوی دختران را بررسی کرده و کوشیده است از نتایج مطالعاتش در مواردی چون تعاملات خانوادگی و محیط مدرسه و کار نیز بهره‌گیری کند. به عقیدهٔ وی، تفاوت‌های گفتاری دختران و پسران و همچنین استفاده از زبان مخفی، از تعلق آنها به حوزه‌های فرهنگی متفاوت نشأت می‌گیرد.

در کشور ایران، نخستین بار نویسندهٔ ناشناس حدود العالم من المشرق الی المغرب (۱۳۴۰: ۳۹۵) از لوترای استرآبادی سخن گفته است. محجوب (۱۳۴۱) در مقاله‌ای با عنوان «لوتر مطربی»، گویش مطربی را که در مناطق مختلف ایران رایج بود و هنوز آثاری از آن مشاهده می‌شود، زبان رمزی هنرمندان، خوانندگان، نوازندگان و بازیگران روحوضی معرفی می‌کند. این گویش بر پایهٔ واژگان زبان فارسی است و به

2. Oranski
3. Qavol
4. Anarchism

1. Tannen

رمزی را برگزینند. نام بیشتر این زبان‌ها برگرفته از مختصات چگونگی سکونت، مانند لوترای استرآبادی، یا پیشه افراد، چون لوتر آسیابی، گاه برگرفته از نام قوم و طایفه گویشوران، مانند زبان رمزی جابری یا زبان قوال، گاه نیز بر اساس مذهب افراد، چون زبان اجتماعات یهودی ایران، و یا برگرفته از صفات و ویژگی رفتاری گویشوران، مانند آتش افروزان در فرانسه، است.

چارچوب نظری

تاکنون تعاریف متعددی از زبان‌های رمزی ارائه شده است. یارشاطر^۱ (۱:۱۹۷۷) زبان‌های رمزی را «زبان پیوندی»^۲ می‌نامد و *دایرةالمعارف لانگمن*^۳ (۲۰۰۱) «زبانی که فقط طبقه‌ای خاص، به خصوص دزدان به آن تکلم می‌کنند و آن را می‌فهمند» را «آرگو» دانسته است. در فرهنگ لغات آکسفورد^۴ (۲۰۰۷) در تعریف زبان مخفی آمده است: «مجموعه لغات و عباراتی که گروهی خاص به کار می‌برند و فهم آن برای دیگران مشکل است». *دایرةالمعارف بریتانیکا*^۵ (۲۰۲۳)، ضمن در نظر گرفتن زبان مخفی به عنوان زبان خاص مجرمان، می‌گوید: «این اصطلاح مربوط به زبانی است که خاص یک منطقه جغرافیایی یا طبقه اجتماعی است». بلیک^۶ (۲۰۱۰: ۵) از ترکیبی از اصطلاحات عامیانه و زبان صنفی به نام آرگو یاد می‌کند.

از دیدگاه زمردیان (۱۳۴۸: ۵۴۹-۵۵۰) این زبان‌ها «شکل غلط‌اداشده زبان طبیعی» هستند. از دیدگاه یارشاطر، واژه لوتر از جامعه یهودیان قدیم به زبان فارسی راه یافته است. او این توجیه را که واژه lo-torah به معنای non-toraic (غیرتوراتی یا غیرعبری زبان) است، توجیهی معقول می‌داند (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۱۹، به نقل از یارشاطر، ۱۹۷۷: ۲). «زبان مخفی در اصل زبانی مستقل نیست و یکی از شکل‌ها و گونه‌های هر زبان معیار است. زبان مخفی عمدتاً در حوزه واژگان و تا حدی اصطلاحات و عبارتهای فعلی، ابداع و زائده هر زبان می‌شود» (سمایی، ۱۳۸۲: ۷). *برهان قاطع* (۱۳۹۱) «زبان قراردادی میان دو فرد را که با یکدیگر تکلم می‌کنند و دیگران قادر به فهم آن نیستند» لوترا نامیده است.

با نگاهی بر تعاریف ارائه‌شده درمی‌یابیم که در همه

مؤمنی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به شناسایی فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی فارسی پرداخته است و در نتیجه پژوهش وی فرایندهایی چون ابداع، گسترش معنایی، تعبیر نزدیک، گذر از اسامی خاص به عام، قرض‌گیری، واژه با معنای عکس، مخفف‌سازی، جزء واجی، سرواژه‌سازی، ترکیب، کوتاه‌سازی و ادغام بازشناسی شده‌اند.

عبدالرشیدی (۱۳۹۲) در بحث زبان‌های ساختگی، ساختار و تاریخچه زبان‌های مخفی در شهرهای مختلف ایران، زبان‌های زرگری، مرغی، لامی، میمی، سیدی، گوشتی، انگوری و غیره را بررسی کرده است.

حسینی معصوم (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و توصیف گویش‌شناختی یک زبان رمزی خانوادگی خاص در مشهد» یک زبان رمزی را با عنوان «زبان خانوادگی برومند» معرفی کرده است که برای رعایت حریم میان زن و مرد ساخته شده است. در این زبان رمزی فرآیندواژه‌سازی با شگرد صرفه‌جویی در ساخت واژگان همراه است، یعنی هر واژه نماینده حوزه واژگانی گسترده‌ای است و در بافت زبانی و فرازبانی گوناگون، معنایی متفاوت و معین به خود می‌گیرد.

سبزی‌پور و دلگرم (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «زبان مخفی آرانجی یا قرقه دیلی در مناطق تات‌نشین خلخال» زبانی رمزی در میان کارگران را بررسی کرده‌اند که با هدف حفظ اسرار شغلی ایجاد شده است و زبانی مخفی است که از زبان تاتی تغذیه می‌کند و در بخش واژه‌ها تفاوت‌هایی با آن دارد.

طحان و فهندژ سعدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای لوتر آسیابی - زبان ساختگی آسیابانان سعدیه - را معرفی کرده‌اند و معتقدند با توجه به مهاجرت این آسیابانان از کاشان به شیراز، امکان دارد واژگان این زبان با گویش‌های منطقه کاشان مرتبط باشد.

تفرجی یگانه و انصاری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «توصیف ویژگی‌های زبان‌شناختی زبان رمزی جابری» به بررسی زبان رمزی دعانویسان مشهور و باسواد طایفه جابری پرداخته‌اند که در جهت حفظ اسرار شغلی ابداع شده است. نتایج پژوهش آنها نشان داد زبان رمزی جابری از لحاظ دستگاه واجی و صرف و نحو مطابق با زبان معیار آن منطقه بوده، اما از لحاظ واژگان کاملاً متفاوت است.

با نگاهی بر پژوهش‌های انجام‌شده درباره زبان‌های رمزی درمی‌یابیم که امروزه افراد اصناف و اعضاء گروه‌های اجتماعی گوناگون در سراسر جهان، برای پنهان کردن مقصود خود از اغیار، ممکن است زبان‌هایی قراردادی و

1. Yarshater

2. Hybrid Language

3. The Longman Encyclopedia

4. The Oxford Dictionary

5. Encyclopedia Britannica (retrieved 2023)

6. Blake

و معرفی‌ها اتفاق نظر مبنی بر کاربرد واژگان و اصطلاحات رمزگونه در بطن گروه‌های اجتماعی خاص در جهت مخفی نگه‌داشتن مقصود از دید عموم مشهود است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه زمردیان (۱۳۴۸) این‌گونه زبان‌ها را شکل غلط‌اداشدهٔ زبان طبیعی می‌داند و یا سمایی (۱۳۸۲) از زبان رمزی به عنوان شکل و گونه‌ای از زبان معیار یاد می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که این زبان‌ها اغلب با تغییراتی در زبان غالب جامعه شکل می‌گیرند. در جهت تبیین این نتیجه‌گیری، می‌توان به زبان مرغی که از قدیمی‌ترین زبان‌های مخفی در ایران است اشاره کرد که در آن با قرار دادن حروف «ر» و «غ» پس از هر هجا ساخته می‌شود (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷ ذیل «زبان مرغی»). یا در زبان ساختگی زرگری، تنها با فراگیری نظام تکرار آوایی سخن می‌گویند؛ بدین صورت که پس از ترکیب هر همخوان و واکه در هجا، واج Z را با آن واکه تکرار می‌کنند. در این زبان، گویشور به فراگیری واژگان و قواعد دستوری نیازی ندارد.

با توجه به طبقه‌بندی بلوک‌باشی (۱۳۸۰)، بر اساس کاربرد انواع زبان‌های ساختگی (لوترا) در ایران، در میان گروه‌های قومی، اجتماعی و شغلی، زبان‌های ساختگی را به ۴ گروه می‌توان تقسیم کرد:

الف. زبان‌های ساختگی گروه‌های قومی مانند یهودیان و کولی‌ها (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۲۱).

ب. زبان‌های ساختگی ویژهٔ فرقه‌های مذهبی و دینی مانند لوتر درویشان (همان‌جا).

پ. زبان‌های ساختگی ویژهٔ گروه‌های حرفه‌ای و صنفی مانند لوتر مطربی (تهران)، لوتر آسیابی در دزفول و شوشتر، گدایان و راهزنان (همان‌جا).

ت. زبان‌های ساختگی همگانی رایج در میان عامهٔ مردم، تودهٔ مردم و لایه‌های میانی جامعه مانند مطربی، مرغی، گنجشکی، سینی، میمی، اشتری، لامی، گاوی و گویش انگوری (همان‌جا).

روش پژوهش

در پژوهش حاضر زبان قراردادی و ساختگی رایج در میان افراد طایفهٔ سارویی از ایل قشقایی بررسی شده است. گویشوران این طایفه زبان مذکور را «آه‌پیری دیل» می‌نامند؛ به معنای زبانی که دیگران قادر به فهم و یادگیری آن نیستند. گویشوران نمونهٔ این پژوهش ۱۰ گویشور مرد و زن ساکن فیروزآباد و قیروکارزین بودند. همگی گویشوران مسن بودند، بالای ۷۰ سال سن داشتند و بی‌سواد و دامدار یا

کالوه (۱۳۸۸) معتقد است اصطلاح آرگو فرانسوی است، و واژه‌های «جارگون»^۱ با معنای لوتر یا زبان خاص و «جوبلین»^۲ نخستین واژگان در جهت تعریف آرگو هستند که هر دوی آنها به قرن پانزدهم میلادی متعلقند. وی همچنین در بخشی از کتاب خود به تاریخ زبان مخفی در زبان فرانسه

با توجه به طبقه‌بندی بلوک‌باشی (۱۳۸۰)، بر اساس کاربرد انواع زبان‌های ساختگی (لوترا) در ایران، در میان گروه‌های قومی، اجتماعی و شغلی، زبان‌های ساختگی را به ۴ گروه می‌توان تقسیم کرد:

الف. زبان‌های ساختگی گروه‌های قومی مانند یهودیان و کولی‌ها (بلوک‌باشی، ۱۳۸۰: ۲۱).

ب. زبان‌های ساختگی ویژهٔ فرقه‌های مذهبی و دینی مانند لوتر درویشان (همان‌جا).

پ. زبان‌های ساختگی ویژهٔ گروه‌های حرفه‌ای و صنفی مانند لوتر مطربی (تهران)، لوتر آسیابی در دزفول و شوشتر، گدایان و راهزنان (همان‌جا).

ت. زبان‌های ساختگی همگانی رایج در میان عامهٔ مردم، تودهٔ مردم و لایه‌های میانی جامعه مانند مطربی، مرغی، گنجشکی، سینی، میمی، اشتری، لامی، گاوی و گویش انگوری (همان‌جا).

کالوه (۱۳۸۸) معتقد است اصطلاح آرگو فرانسوی است، و واژه‌های «جارگون»^۱ با معنای لوتر یا زبان خاص و «جوبلین»^۲ نخستین واژگان در جهت تعریف آرگو هستند که هر دوی آنها به قرن پانزدهم میلادی متعلقند. وی همچنین در بخشی از کتاب خود به تاریخ زبان مخفی در زبان فرانسه

1. jargon
2. jobelin

کشاورز بودند. در این پژوهش از پرسش‌نامه طرح ملی *اطلس زبانی ایران* که پرمون (۱۳۸۵) تدوین کرده‌است استفاده شد. تنها آن جملات و واژگان پرسشنامه که دارای برابرنهادی در زبان رمزی بودند مورد تحلیل قرار گرفتند. برخی از واژه‌ها نیز در روند انجام مصاحبه با گویشوران به این فهرست افزوده شدند. جمع‌آوری داده‌ها به روش میدانی و از راه مصاحبه انجام گرفت. روش تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی-تحلیلی است. آوانویسی داده‌ها نیز با استفاده از الفبای آوانگار بین‌المللی (IPA) انجام شد.

بررسی و تحلیل داده‌ها

واژگان

وجه تمایز آه‌پیری دیل از زبان مینا^۱ (ترکی قشقایی) واژه‌های آن است. این واژه‌ها را گویشوران به روش‌های گوناگون ساخته‌اند که در ادامه به توضیح آنها خواهیم پرداخت. با توجه به خاستگاه این زبان که جامعه خویشاوندی کوچکی است و هدف اصلی آن حفظ اسرار خانوادگی بوده است و با توجه به پیچیده بودن فرایند ساخت واژه، افراد گاهی از یک واژه برای بیان مفاهیم گوناگون بهره می‌گیرند و مخاطبان واژه‌ها را با توجه به بافت موقعیتی تعبیر می‌کنند. برای مثال، صفت [dæq] ADJ در جمله (۱) در مفهوم خوب، شایسته، دارای رفتار پسندیده به کار رفته است؛ همین صفت در جمله (۲) به مفهوم پرثمر، مقدار زیاد و مطلوب به کار برده شده است؛ و در جمله (۳) صفت مذکور به مفهوم راستگو است. در حالی که در جمله (۴) در مفهوم دختر زیبا به کار رفته است. و همچنین در مفهوم متضاد آن یعنی به صورت ADJ- [na dæq] NEG در جمله (۵) -جمله‌ای دعایی که در زمان طلب خیر و برکت و در امان ماندن مخاطب از هرگونه پیش‌آیند ناگوار به کار می‌رود- آمده است. به بیانی دیگر، برای مصدرهایی نظیر ترسیدن و بیمار شدن از یک مصدر INF [nædaqolmæg] برگرفته از همین صفت استفاده می‌شود.

جمله (۱) -عباس تا حالا پسر خوبی بوده است.

abbas iniæn ʃæz dæq dʒærkæjmiʃ

جمله (۲) -این باغ چقدر پر میوه است.

bu baqiŋ mivæsi naqad dæq dir

۱. منظور از زبان مینا، معیار یا غالب، زبان غالب جامعه یعنی «ترکی قشقایی» است که مبنای بررسی زبان رمزی آه‌پیری قرار گرفته است.

جمله (۳) -همیشه راست گو باش.

hæmmiʃæ dæq xazæʃt ɛd

جمله (۴) -دختر زیبا

daq du:nækæ

جمله (۵) -گزندی به تو نرسد.

nadaqliŋ gØrmijaŋ

جمله (۶) -او رفته بود نان بخرد.

o bouars ɛdmiʃdi firid boars ɛdæ

جمله (۷) -من از خانه بیرون آمده بودم که تو رسیدی.

mæn dokkædæn bouars ɛdmiʃdim ki sæn bouars ɛdiŋ.

جمله (۸) -من داشتم به دویدن اسب نگاه می‌کردم.

mæn su:siŋ bouars ɛdigini nour ɛdirdim.

مثالی دیگر از واژه‌سازی صرفه‌جویانه، استفاده از واژه NOM [firid] -غذا- برای اشاره به هرگونه غذا و وعده‌های غذایی است. چنانکه در جمله (۶) واژه firid در معنای نان آمده است. نمونه‌ای دیگر، استفاده از یک مصدر واحد INF [bouars ɛdmæg] در شکل مصدرهایی مانند رفتن، آمدن، رسیدن و دویدن است. با نگاهی دوباره به جمله (۶) می‌بینیم که INF [bouars ɛdmæg] در مصدرهایی مانند رفتن و نیز خریدن کاربرد دارد. به علاوه، در جمله (۷) نیز در مصدرهای آمدن و رفتن به کار رفته است و در جمله (۸) به معنای دویدن اسب است.

فرایندهای واژه‌سازی

فرایندهای واژه‌سازی در زبان آه‌پیری دیل شامل ابداع، قرض‌گیری و ترکیب است که در ادامه به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

فرایند ابداع: برای افزایش دایره واژگان، افراد طایفه به ابداع واژگان دست زده‌اند، به گونه‌ای که گویشوران زبان‌های دیگر قادر به فهم آنها نیستند. برای مثال: NOM [qælæm] (میش).

فرایند قرض‌گیری: از دیگر فرایندهای واژه‌سازی در آه‌پیری دیل قرض‌گیری است. در این زبان، واژه‌هایی از عربی، فارسی و انگلیسی مشاهده می‌شود. با توجه به خاستگاه این قوم که نورآباد ممسنی بوده و رواج زبان عربی در آن منطقه، واژه‌های عربی مانند واژه NOM [læhm] (گوشت) از زبان عربی قرض گرفته شده است یا واژه INS [cɛjkel] (دوچرخه) که از bicycle از زبان انگلیسی گرفته‌برداری شده است. واژه INS [nɛʃ] (چاقو) نیز برگرفته از واژه انگلیسی knife است. واژه NOM [bærg] (برگ)

واژه‌های فارسی است.

جدول ۱. واژگان حوزه معنایی اعضای خانواده و خویشان

bög qotf/ bög dzær	پدر
bög du:næ	مادر
jæxen dzærkæ ²	برادر
jæxen du:nækæ	خواهر
dzær	پسر
du:nækæ	دختر
dzærkæ & du:nækæ	بچه
dzærmin dzærri	عمو
dzærre gævare du:næ	دایی
du: næ	عمه، خاله، و همسر(مؤنث)
du:næniŋdzær tilæsi	شوهر و داماد
tazza du:næ	عروس
dzærre gævar	پدربزرگ (پدری / مادری)

خوراکی‌ها: در این زبان برای برخی از خوراکی‌ها

واژه‌های رمزی به کار می‌رود.

جدول ۲. واژگان حوزه معنایی خوراکی‌ها

rez	برنج
læhm	گوشت
firin pæræh	قند
souz pæræh	چای
firid	نان
fæt	آب

حیوانات و جنسیت آنها: با توجه به زندگی عشایری

و بهره‌گیری از حیوانات برای کار و امرار معاش، برای اشاره به آنها، به‌ویژه حیوانات اهلی، واژه‌هایی رمزی برگزیده‌اند.

جدول ۳. واژگان حوزه معنایی حیوانات و جنسیت آنها

bæqer	گاو
dzedi	بز
qælæm ti:læ	بره
qælæm	میش
dzanevar	گرس
gædær	قاطر
kejle	سگ
perper	مرغ / خروس

2. «kæ» پسوند نشانه تصغیر است که به همراه اسم برای افراد جوان‌تر به کار می‌رود.

فرایند ترکیب: از دیدگاه متیوز¹ (۱۹۹۱)، در فرایند

ترکیب، واژه قاموسی از دو یا چند تکواژ قاموسی ساده‌تر ساخته می‌شود. به باور وی، گاهی واژه قاموسی حاصل، دارای معنایی غیرعادی یا خاص است؛ بدین معنا که به طور کلی معنای آن را از اجزای تشکیل‌دهنده آن نمی‌توان پیش‌بینی کرد. برای مثال، در دیل آه پیری گاه یک جزء ترکی قشقایی یا فارسی در کنار یک جزء زبان رمزی واقع می‌شود و گاهی نیز واژه رمزی از ترکیب دو یا سه جزء از زبان رمزی ساخته می‌شود، مانند پدر: [bög dzær]NoM (پدر). این واژه از دو جزء ADJ [bög] (بزرگ) که واژه‌ای ترکی است و NOM. M [dzær] (پدر) که به صورت کلی برای اطلاق به جنس مذکر کاربرد دارد و واژه‌ای رمزی است و در ترکیب با واژگان مختلف معانی گوناگونی می‌یابد، تشکیل شده است. یا واژه [tazza du:næ] NOM (عروس)، ترکیبی است از دو جزء ADJ [tazza] (تازه) - واژه‌ای فارسی - و NOM. F [du:næ] (عروس) - که به صورت کلی برای اطلاق به جنس مؤنث به کار می‌رود و واژه‌ای رمزی است - در ترکیب با واژگان مختلف معانی گوناگونی پیدا می‌کند. نمونه دیگر، واژه [dzærre] NOM gævar (پدربزرگ) مرکب از دو جزء واژه رمزی است. چنان‌که اشاره شد، واژه رمزی [dzærre] NOM. M (پدر) در صورت کلی برای نامیدن جنس مذکر کاربرد دارد؛ در واژه حاضر با واژه رمزی ADJ [gævar] (بزرگ) ترکیب شده است. همچنین، واژه [dzærre gævare] NOM du:næ (دایی) نیز مرکب از سه جزء از واژه رمزی است. واژه NOM. M [dzærre] (برادر) برای اطلاق به جنس مذکر کاربرد دارد که در اینجا به معنای برادر است. مثال آخر دو واژه ADJ [gævar] است برای اطلاق به فرد بزرگ‌تر و NOM. F [du:næ] (خواهر) برای اطلاق به جنس مؤنث و در اینجا به معنای خواهر کاربرد دارد.

برخی حوزه‌های معنایی در آه پیری دیل

اعضای خانواده و خویشاوندان: زندگی ایلی از طوایف و تیره‌های مرکب از اقوام و خویشاوندان تشکیل شده است. با توجه به اهمیت خانواده در نظام ایلی، در این زبان برای همه اعضای خانواده و خویشاوندان واژه‌ای وجود دارد.

1. Matthews

رنگ، جنس، شکل و غیره هستند. در این زبان همانند زبان مینا، صفت پیش از اسم واقع می‌شود. مانند مادیان سفید [aq su:s] N. ADJ. در این زبان صفات اشاره مانند o [PRO.3.SG] (آن)، bu [PRO.3.SG] (این)، bullar [PRO.PL] (اینها)، و ollar [PRO.PL] (آنها)، مشابه زبان مینا است و به پیروی از آن، پیش از اسم واقع می‌شوند. مانند آن مردان: o dʒærkæ lær. صفت شمارشی اصلی بیانگر تعداد است و با موصوف از لحاظ مفرد و جمع بودن تطابقی ندارد. با افزوده شدن موصوف، صفت ثابت می‌ماند. مانند ده زن: on du:næ.

ساخت و صرف افعال

بیشتر افعال در این زبان مرکب هستند. ناتل خانلری (۱۳۶۵) فعل مرکب را فعلی می‌داند که متشکل از دو کلمه مستقل باشد. کلمه اول اسم یا صفتی است که صرف نمی‌شود و کلمه دوم فعلی است که صرف می‌شود و آن را همکرد می‌نامد. وی (همان) بیان می‌کند که چنین ترکیباتی، به دلیل دریافت معنی واحد از مجموع آنها، فعل مرکب نامیده می‌شوند. افعال در زبان آه‌پیری دلیل از ترکیبی از واژه‌های قراردادی با فعل همکرد یا معین [ɛdmæg] و همچنین فعل معین [olmag] ساخته می‌شود. در عین حال، این افعال در ساخت فعل مرکب لزوماً معنای اصلی خود را ندارند. در جدول ۸ به چند نمونه از این افعال اشاره شده است.

جدول ۸. ساخت و صرف افعال

فارسی	ترکی قشقایی	رمزی
دیدن	gør mæg	nour ɛdmæg
خبردادن (گفتن)	xæbær vermæg	xazɛft ɛdmæg
رفتن	gød mæg	bouars ɛdmæg
غذا خوردن	jəmæli jəmæg	bimærzɛdmæg
مردن	ɛlmæg	bi mɛjt ɛdmæg
دویدن	qæfjmæg	bouars ɛdmæg
خوابیدن	jatmag	bunufɛdmæg
ترسیدن	qorxmæg	nadaq olmag
کتک زدن	vurmæg	bexifmæɛdmæg

جدول ۹. صرف گذشته ساده فعل رفتن

رفتیم	buarsɛdim	رفتیم	buarsɛdig
رفتید	buarsɛdiŋ	رفتید	buarsɛdiŋz
رفتند	buarsɛde	رفتند	buarsɛdɛlær

شتر	papan
الاغ	qædær
آهو	qæləmdzɛdi
مادیان	su:s
نر	gædær
ماده	dijfi gædær

اعضای بدن: در این زبان واژه‌هایی برای اعضای

بدن نیز وجود دارد.

جدول ۴. واژگان حوزه معنایی اعضای بدن

چشم	nour
دهان	firid bi mærzɛf

ابزار و وسایل: در جدول زیر به واژگان رمزی تعدادی

از ابزار و وسایل در این زبان اشاره شده است.

جدول ۵. واژگان حوزه معنایی ابزار و وسایل

فنگ	pi:tou
چاقو	nɛf
دوچرخه	ɛɛjkɛl
چوب	xɛfmæ

صرف اسم: شیوه جمع‌بستن در این گویش مطابق با

ترکی قشقایی است. نشانه‌های جمع همانند زبان مینا lar ɔlær است.

جدول ۶. واژگان حوزه معنایی صرف اسم

اسم مفرد	مرد(ها)	زن(ها)	اسب(ها)
اسم مفرد	dʒær	du:næ	su:s
اسم جمع	dʒærlær	du:nælær	su:slar

ضمایر: در این گویش به‌جز ضمیر اول شخص مفرد

منفصل، سایر ضمایر مانند ضمایر ترکی قشقایی است.

جدول ۷. واژگان حوزه معنایی ضمایر

ضمایر	مفرد	جمع	شخص
اول	gu rum	ɛm-	متصل
دوم	sæn	in-	منفصل
سوم	o	ɛ-	متصل

صفت‌ها: صفات بیانی، بیانگر خصوصیات اسم نظیر

جدول ۱۰. صرف حال استمراری فعل دیدن

nour ɛdi:ræg	می بینم	nour ɛdi:ræm	می بینم
nour ɛdi:ræŋz	می بینید	nour ɛdi:ræŋ	می بینی
nour ɛdi:llær	می بینند	nour ɛdi:r	می بیند

جملات در آهیری دیل: تعدادی از جملات این زبان

برای نمونه در پی می آید.

جدول ۱۱. آشنایی بیشتر با جملات در آهیری دیل

جمله شماره ۱. «فاطمه می خواست گاوها را بدوشد.»				
fadm a	sejrđi	bæqer lær	i	saqa
fatem ɛF. 3. SG	mixast. PAST. 3.SG	gavha OBJ. Pl	ra ART ACC.	Bedufæ d. ST.3.SG
جمله شماره ۲. «ما هنوز ناهار نخورده ایم.»				
biz	hænu z	firid	bimærz ɛdmæmifæg	
ma 1. PL	hænuz ADV	nahar	næxorde ʔim3.PL.PRF	
جمله شماره ۳. «همیشه راستگو باش.»				
hæmmifæ		dæq	xazeft ɛd	
hæmifæADV		rastguADJ	baf.IMP .3.SG	
جمله شماره ۴. «عباس تا به حال پسر خوبی بوده است.»				
abb as	innijæn tfaz	dæq	džærkæj	mif
ʔæ bas 3.S G	ta hala.AD V	xubiA DJ	pesære	budeʔæst3.S G.PRF
جمله شماره ۵. «ما او را در خانه خود دیدیم.»				
bi:z	onɛ	Øz dok: æsi	nnæ	nour ɛddig
ma 1.PLU. SBJ	ʔu ra 3.SIG. OBJ	xanexodæf.3.SI G.POSS	dær	didim . 1.PL U- PST

- نیز با این هدف ابداع شده است.
۲. وجود واژگان خاص: زبان مخفی دارای واژه های مختص خود آن زبان است و به رغم قرض گیری واژگان از زبان های دیگر، معنای اولیه واژه ها اغلب تغییر یافته اند (همان: ۸۱). در زبان طایفه سارویی نیز واژگانی وجود دارند که با تغییر معنا استفاده می شوند، مانند واژه [ʔfamur] NOM که در زبان مینا (ترکی قشقایی) به معنای «گل و لای» است و در زبان آهیری دیل به شهر اطلاق می شود.
۳. مستقل نبودن: زبان مخفی از نظر ساختار صرفی، نحوی و آوایی مشابه زبان مینا است، اما تفاوت عمده در بخش واژگان است (همان جا). زبان مورد بررسی در این پژوهش نیز از نظر ویژگی های صرفی، نحوی و آوایی شبیه گویش ترکی قشقایی است و تفاوت ها در بخش واژگان است. از نظر صرفی تعدادی از افعال از ترکیب واژه های ساختگی و همکرد [ɛdmæg] و همچنین فعل معین [olmag] در ترکی قشقایی ساخته می شوند.
۴. کاربرد فراوان استعاره: از دیدگاه کالوه اغلب استعاره های این گونه زبان ها مضحک هستند (همان: ۱۶). در این زبان نیز تعدادی استعاره مضحک به چشم می خورد. مانند: NOM [qæræbijdzig] (نوعی حشره) استعاره از خرد و [bøgfamur] NOM (خاک بزرگ) استعاره از شهر.
۵. صرفه جویی و تلخیص: ویژگی تلخیص - استفاده از واژه های کوتاه شده به جای واژه های زبان مینا (همان جا) - چندان در زبان مورد بررسی مشاهده نشد. اما در برخی از حوزه های معنایی شاهد صرفه جویی در واژه سازی هستیم، یعنی هر واژه نماینده حوزه واژگانی گسترده ای است که در بافت زبانی و فرازبانی خاص، معنایی معین به خود می گیرد.
۶. برخی از واژه های زبان رمزی به دلیل استفاده مکرر سخنگویان وارد زبان مینا شده، نقش رمزآمیز خود را از دست می دهند (همان: ۵۷). این ویژگی در زبان مذکور به دلیل ماهیت سری آن به ندرت مشاهده می شود.
۷. وجود واژگان مترادف (همان: ۵۱). در این زبان استفاده از واژگان مترادف کمتر به چشم می خورد.
۸. نبود مفاهیمی مانند عشق و دوست داشتن (همان جا). در زبان مورد بررسی نیز چنین مفاهیمی مشاهده نشد.
۹. وجود واژه های متعدّد برای مواد مخدر و افعال آن (همان: ۸۱).

بررسی ویژگی های زبان آهیری دیل از دیدگاه کالوه

کالوه (۱۳۸۸) چند ویژگی برای زبان های مخفی برشمرده است که با توجه به آنها به بررسی ویژگی های زبان آهیری دیل می پردازیم:

۱. مخفی بودن: گویندگان زبان مخفی در صدد پنهان نگه داشتن محتوای کلام خود از دیگران بوده اند. در واقع با رمزگذاری زبان صورت های جدیدی در جهت پنهان کردن معنا ایجاد می گردد (کالوه، ۱۳۸۸: ۱۳). زبان مذکور

خاص و بر پایه زبان غالب جامعه قشقایی است. همچنین با نگاه به پژوهش‌های پیشین درباره زبان‌های مخفی چون مقاله تفرجی یگانه و انصاری (۱۳۹۸) و همچنین سبزی‌پور و دلگرم (۱۳۹۵) درمی‌یابیم که نتایج پژوهش‌های مذکور مبنی بر تبعیت زبان رمزی از لحاظ دستگاه واجی و صرف و نحو با زبان معیار منطقه و تفاوت واژگانی آن با زبان معیار کاملاً همسو با نتایج جستار پیش رو است؛ چرا که زبان آه‌پری از لحاظ نحوی و آوایی و ساختار پیرو زبان مبنا - ترکی قشقایی - است. در زبان رمزی آه‌پری بیشتر افعال مرکب هستند. تعدادی واژه نیز از زبان‌های دیگر مانند عربی، انگلیسی و فارسی در آن یافت شد. با بررسی واژگان مشاهده شد که فرایندهایی چون ابداع، قرض‌گیری و ترکیب از جمله فرایندهای غالب واژه‌سازی در آه‌پری دلیل هستند. در برخی از موارد نیز افراد از یک واژه برای بیان مفاهیم متعدّد بهره می‌گیرند و مخاطب واژه مذکور را متناسب با بافت موقعیت تعبیر می‌کند. با بررسی ساختار و ویژگی‌های آه‌پری دلیل در طایفه سارویی، دریافتیم زبان مورد بررسی با برخی از ویژگی‌های زبان مخفی مورد نظر کالوه (۱۳۸۸) چون مخفی بودن، وابستگی، وجود واژگان خاص که اغلب صورت تغییر یافته واژگان زبان مبدأ هستند، کاربرد فراوان استعاره، تعداد اندک واژه‌ها، ارتباط نداشتن با نوشتار، عدم انتقال به نسل‌های دیگر و نبودن مفاهیمی برای عشق، در انطباق است. در حال حاضر این زبان در میان معدودی از افراد طایفه در استان فارس در شهرستان‌های فیروزآباد، خنج و قیروکارزین رواج دارد. با توجه به نبود گونه نوشتاری برای زبان مذکور، این زبان در معرض خاموشی است و بنابراین ثبت آن دارای اهمیت است.

۵۳). در این زبان برای اشاره به مواد مخدر و سیگار تنها از واژه‌های NOM [kærrafæ]/[kærrapæ] (مواد مخدر) استفاده می‌شود. بنابراین واژه‌های زیادی در این مورد وجود ندارد.

۱۰. تعداد اندک واژه‌ها (همان: ۲۲). در این زبان نیز واژه‌ها محدود است.

۱۱. ارتباط کمتر با نوشتار (همان: ۸۴). این زبان گونه نوشتاری ندارد.

۱۲. عدم انتقال بین نسلی (همان: ۱۹). زبان مورد بررسی در گذشته و از طریق مبدعان آن به نسل‌های بعد منتقل می‌شده اما در روند شهرنشینی، تمایلی به فراگیری آن نیست و نسل‌های جدید بر واژگان اندکی از این زبان اشراف دارند. هم‌اکنون این زبان در معرض خاموشی است و گویشوران اندکی آن را به کار می‌برند.

بحث و نتیجه‌گیری

گاهی شرایط شغلی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی افراد یک جامعه یا گروه‌های کوچک‌تر زمینه را برای ایجاد زبان‌های منحصر به آن گروه‌ها، اقوام و اصناف فراهم می‌آورد که دیگران قادر به فهم آن زبان نیستند. در پژوهش حاضر، پس از ارائه تعاریف گوناگون در باب زبان‌های رمزی و ذکر ویژگی‌های آنها، ویژگی‌های زبان‌شناختی یک زبان قراردادی میان افراد طایفه سارویی از ایل قشقایی بررسی شد. معیارهای مطرح‌شده در مقاله پیش رو و نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های زبان آه‌پری تا حدودی با یکدیگر منطبق بود. فصل مشترک تعاریف مطرح‌شده و پژوهش پیش‌رو این است که زبان طایفه سارویی نیز زبانی قراردادی متعلق به گروهی

منابع

- آرانسکی، یوسف میخائیلوویچ (۱۳۷۵). اطلاعات تازه‌ای از زبان‌های رمزی (آرگو) در آسیای میانه / گروه قومی قوال در کولاب و آرگوی آن. ترجمه محسن شجاعی. فرهنگ، دوره ۱۰، شماره ۱۷، صص. ۱۶۵-۲۰۰.
- اعتضادی، شیدا و فاطمه‌سادات علمدار (۱۳۸۷). تحلیل جامعه‌شناختی زبان مخفی در بین دختران. فصل‌نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص. ۶۵-۹۶.
- ابریلینگ، پیر (۱۳۸۳). کوچ‌نشینان قشقایی فارس، ترجمه فرهاد طیبی‌پور. تهران: نشر شیرازه.
- بلوک‌باشی، علی (۱۳۸۰). زبان‌های رمزی در ایران. کتاب ماه هنر. مرداد و شهریور. شماره ۳۵-۳۶، صص. ۱۸-۲۷.
- بی‌نام (۱۳۴۰). حدود العالم من المشرق الی المغرب. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: کتابخانه طهوری.
- پرمون، یدالله (۱۳۸۵). طرح ملی اطلس زبانی ایران، کتابچه جامع تدوین اطلس. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون.
- تانن، دبورا (۱۳۷۶). مرا نمی‌فهمی. ترجمه مهدی قراچه‌داغی و زهره فتوحی. تهران: نشر اوحدی.

- سمایی، مهدی (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات زبان مخفی با مقدمه‌ای درباره جامعه‌شناسی زبان*. تهران: نشر مرکز.
- طحان، احمد و فرزانه فهندژ سعدی (۱۳۹۶). *لوتر آسیابی (زبان ساختگی آسیابانان سعدیه). زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. شماره ۸، صص. ۹۷-۱۱۷.
- عبدالرشیدی، علی‌اکبر (۱۳۹۲). *زبان‌های ساختگی*. تهران: مسافر.
- کالوه، ژان لوئی (۱۳۸۸). *زبان مخفی چیست؟ ترجمه شهروز پزشکی*. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- کیانی، منوچهر (۱۳۷۱). *سپه‌چادرها*. تهران: نشر سعید نو.
- محبوب، منوچهر (۱۳۴۱). *لوتر مطربی*. کتاب هفته. شماره ۳۷، صص. ۱۶۸-۱۶۶.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مؤمنی، نگار (۱۳۸۹). *فرآیندهای واژه‌سازی زبان مخفی فارسی*. *زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۶، شماره ۱۲، صص. ۶۱-۸۶.
- همایونی، صادق (۱۳۵۲). *یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامه*. شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر فارس.
- هیئت، محمدجواد (۱۳۸۰). *سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی*. تهران: نشر پیکان.
- تفرجی یگانه، مریم و زهرا انصاری (۱۳۹۸). *توصیف ویژگی‌های زبان شناختی زبان رمزی جابری*. *فصل‌نامه زبان‌شناسی اجتماعی*. دوره ۳، شماره ۲، صص. ۸۹-۹۹.
- حسینی معصوم، سیدمحمد (۱۳۹۳). *تحلیل و توصیف گویش شناختی یک زبان رمزی خانوادگی خاص در مشهد*. *فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۲، شماره ۳، صص. ۴۸-۲۵.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۵). *تاریخ زبان فارسی*. جلد دوم. تهران: انتشارات نشر نو.
- خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۹۱). *برهان قاطع*. به اهتمام محمد معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *جلد هشتم*. *موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران*.
- روبینز، آر. اچ. (۱۳۷۰). *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*. ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران: نشر مرکز.
- زمردیان، رضا (۱۳۴۸). *زبان‌های ساختگی*. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. سال ۵، شماره ۲۰، صص. ۵۴۹-۵۵۶.
- سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست و راحله دلگرم (۱۳۹۵). *زبان مخفی آرآنچی یا قرقه دیلی در مناطق تات‌نشین خلخال*. *فصل‌نامه زبان‌شناسی اجتماعی*. سال ۱، شماره ۵، صص. ۴۸-۳۷.
- Briggs, A. (2001). *The Longman Encyclopedia*. Guild Publishing.
- Blake, B. J. (2010). *Secret language*. Oxford University Press.
- Maurer, D. (n.d.). *slang*. Encyclopedia Britannica. Retrieved July 7, 2023, from <https://www.britannica.com/topic/slang>
- Matthews, P. H. (1991). *Morphology*. Cambridge university Press.
- Von Humboldt, W. (1949). *Über die Verschiedenheit des menschlichen Sprachbaues*. Darmstadt.
- Yarshater, E. (1977). The hybrid language of the Jewish communities of Persia. *Journal of American Oriental Society*, 1-7.

پیوست‌ها

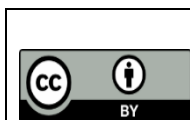
پیوست ۱. پرسش‌نامه مربوط به واژگان

معادل رمزی	معادل ترکی قشقایی	مدخل واژگانی
papan	dyjæ	شتر
qædær	æʃʃæk	الاغ
qælæm dʒedi	ikalʃ	آهو
su:s	madijan	مادیان
nour	gØz	چشم
firid bi mærzɛʃ	aqz	دهان
bæqer	siqir	گاو
dʒedi	gæʃʃi	بز
qælæm ti:læ	quzzu	بره
qælæm	qojun	میش
dʒanevar	tilki	گرگ
kejle	kØpæk	سگ
pɛrɛr	touq	مرغ
pɛrɛr	xurus	خروس
gædær	yrkæk	نر
dijʃi gædær	dijʃi	ماده
pi:tou	tofæŋ	تفنگ
nɛʃ	aqʉʃ	چاقو
cejkɛl	dotʃærxɛ	دوچرخه
xɛʃmæ	aqadʒ	چوب
gurum	mæn	من
san	sæn	تو
o	o	او
biz	biz	ما
siz	siz	شما
on lar	on lar	آن‌ها
/bøg dʒær bøg qoʃ	boa	پدر
bøg du:næ	Ana/ nænæ	مادر
jæxɛn dʒærkæ	Kaka/ qærdɑʃ	برادر
jæxɛn du:nækæ	badʒi	خواهر
dʒær	oqul	پسر
du:nækæ	qiz	دختر
du:nækæ dʒærkæ/	u:ʃɑq	بچه
dʒærrmiŋ dʒærrɪ	æmu	عمو
dʒærrɛ gævare du:næ	daji	دایی
du: næ	bije	عمه
du: næ	arvad	زن

معادل رمزی	معادل ترکی قشقای	مدخل واژگانی
du:næniŋ dʒær tilæsi	ær	شوهر
du: næ	dazza	خاله
du::næniŋdʒær tilæsi	kØrækæn	داماد
dʒærre gævar	bØg boa	پدر بزرگ
tazza du:næ	gælin	عروس
ʃirin pæræh	qand	قند
souz pæræh	ʃaha	چای
firid	ʃØræg	نان
ʃæt	Su:	آب
rez	dygi	برنج
læhm	æt	گوشت

پیوست ۲. پرسش نامه مربوط به جملات

معادل رمزی	معادل ترکی قشقای	معادل فارسی
fadma sejrđi bæqeir læri saqa	fadma sejrđi siqir lare saqa	فاطمه می خواست گاوها را بدوشد.
biz hænuz firid bimærz edmæmifæg	biz hænuz nahar jemæmifæg	ما هنوز ناهار نخورده ایم.
abbas innijænʃæz dæq dʒærkæj mij	abbas innijæn ʃæz xub oqulumuʃ	عباس تا حالا پسر خوبی بوده است.
bi:z onæ Øz dok:æsi nnæ nour eddig	biz onu Øz ævendæ gœrdig	ما او را در خانه خودش دیدیم.
hæmmifæ dæq xazɛʃt ed	hæm:ijæ gærʃæk deh	همیشه راستگو باش.
bu baqiŋ mivæsi naqad dæq dir	bu baqiŋ naqad mive varu!	این باغ چقدر پر میوه است!
nadaqlig gØrmijaŋ.	Jama gØrmijaŋ.	گزندی به تو نرسد.
o boars edmifdi firid boars edæ	o gØdmifdi ʃØræg ala.	او رفته بود نان بخرد.
mæn dokkædæn bouars edmifdim ki sæn bouars edin.	mæn ævdæn ʃixmifdim ki sæn etifdin.	من از خانه بیرون آمده بودم که تو رسیدی.
mæn su:sin bouars edigini nour edirdim.	mæn atin ʃabdiginæ baxirdim.	من داشتم دویدن اسب را نگاه میکردم.



COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)